



به نام خدا

عرض سلام و احترام دارم خدمت شما همراهان عزیز وبسایت آموزش سخنرانی و فن بیان  
من محمد پیام بهرام پور هستم و شما در حال گوش دادن به بیست و هشتمین فایل از مجموعه فایل های رادیو  
سخنرانی هستید.

این فایل را به این دلیل ضبط کردم که احساس کردم یک مشکل خیلی بزرگی در سوال پرسیدنمان داریم.  
در این چند سالی که من در حیطه مهارت های ارتباطی، سخنرانی، فن بیان و ارتباط موثر فعالیت می کنم،  
سوال های خیلی زیادی به دستم رسیده است.

ما تقریباً روزانه بین ۷۰ تا ۲۷۰ و یا ۲۸۰ ایمیل دریافت می کنیم که اغلب آن ها سوال هستند و خب این برای  
من بسیار مهم است که به تک تک این سوالات پاسخ داده بشود و همکاران زیادی هستند که به این سوالات  
پاسخ می دهند و من همیشه وقتی این سوال ها را بررسی می کنم، یکی از شایع ترین و مشخص ترین مشکلاتی  
که وجود دارد این هست که افراد با اطلاعات خیلی کم، راه حل های خیلی بزرگ می خواهند.  
اجازه بدهید که من یک مثال بزنم:

فرض کنید شما پیش قهرمان شطرنج جهان می روید و بهش می گوئید:

آقا در یک کلام، شما به من بگو بهترین حرکت شطرنج چی هست؟

اون شخص چطوری ما را نگاه می کند؟!!!

قطعاً یا حس می کند که هیچ شعوری نسبت به شطرنج نداریم و یا حس می کند که واقعاً مشکل مغزی داریم.

به خاطر اینکه شطرنج یک بازی پیچیده است، اون شخص وقتی می خواهد به سوال ما پاسخ بدهد، نیاز دارد  
بداند که ما چه کسی هستیم؟

چقدر توان داریم؟

چقدر دانش داریم؟

حریف ما چه کسی است؟

محیطی که در آن بازی می کنیم چه محیطی است؟

بازی قبلی ما چطور بوده؟

و همه اینها و از همه مهم تر، هدف ما چی هست؟

اصلاً شاید توی این بازی من تصمیم بگیرم که ببازم.



بیشتر از یک نفر...

فرض بکنید مثلاً می‌خواهم با کسی بازی بکنم که ترجیح می‌دهم واقعاً بهش ببازم تا اینکه برنده بشوم. پس می‌بینید به عوامل خیلی زیادی بستگی دارد و اگر بپرسیم که خب، بهترین حرکت توی شطرنج چی هست؟

قطعاً اون شخص می‌گوید:

چه سوال احمقانه ای!

حالا بیایم این موضوع را یک مقدار در ارتباطات بررسی بکنیم، می‌بینیم که خیلی از ما افراد از این اشتباهات زیاد می‌کنیم.

مثلاً: بهترین جمله برای شروع صحبت چی هست؟!

این ایمیل را روزانه شاید بیست بار داریم دریافت می‌کنیم، یا اینکه سوالات خیلی کلی پرسیده می‌شود.

مثل اینکه: آیا تحصیلاتمان را در سخنرانی باید بگوییم؟!

خب این خیلی بستگی دارد به اینکه تحصیلات شما چقدر است؟

اگر سطحش پایین است، احتمالاً نباید گفته بشود و اگر بالا هست باید گفته بشود.

اتفاقاً در یک زمان هایی که تحصیلاتمان خیلی کم هست را باید بگوییم که خیلی هم خوب است.

مثلاً من زمانی که سن خیلی کمی داشتم، کتاب من جزو کتاب‌های برتر شد در خانه کتاب و جایزه کتاب فصل را بُرد و من جوان ترین کسی بودم که این جایزه را برد و خب من اونجا گفتم: بله من تحصیلاتم سوم دبیرستان هست.

اما اگر یک نفر راجع به موفقیت صحبت می‌کند، برگردد و بگوید من تحصیلاتم سیکل است، خب هیچ کسی احتمالاً بهش توجهی نخواهد کرد مگر اینکه شرایط خیلی خاص باشد.

باز می‌بینیم که مثلاً آنتونی رابینز دیپلم هم ندارد اما خیلی قشنگ این را نمایش می‌دهد به دیگران و می‌گوید من اینطور هستم.

پس نمی‌توانیم خیلی قطعی راجع به این ها صحبت کنیم.

یا یک چیز خیلی وحشتناک‌تر اینکه:

از چه واژه هایی استفاده کنیم تا صحبتمان جذاب تر بشود؟!

این سوال خیلی خیلی خیلی کلی هست و بستگی به این دارد که ما چه کسی هستیم؟

مخاطب ما کی هست؟



بیشتر از یک نفر...

کجا داریم صحبت می‌کنیم؟

مخاطب چه حسی نسبت به ما دارد؟

صحبت قبلی ما یا بعدی ما چه زمانی بوده و یا خواهد بود؟

صبح هست یا شب؟

و به هزاران عامل دیگر بستگی دارد و اگر بخواهیم اینقدر سطحی نگاه نکنیم، حقیقتش این است که خیلی درست راجع به این موضوع صحبت نکرده ایم.

اما راهکارهایی را اگر بخواهم خدمت شما عرض کنم در مورد اینکه چطوری به این سوال ها بتوانیم پاسخ بدهیم:

من می‌خواهم چهار راهکار را بگویم که با استفاده از این بتوانید فرمول کلی برای پاسخ دادن به سوالات عمومی که قابل پرسیدن از بقیه نیست را با هم بتوانیم پیدا کنیم.

### اولین کار جدول هزینه - فایده است.

یک جدول می‌کشیم، دوتا ستون دارد و ستون اول هزینه ها و ستون دوم فایده ها است.

حالا بررسی می‌کنیم مثلاً:

آیا ابتدای صحبت باید تحصیلاتم را بگویم یا نه؟

خب حالا تحصیلات من چی هست ؟

مثلاً من دانشجوی دکترم هستم. آیا امتیازی حساب می‌شود ؟

بله

ضررهای این چی هست؟

یک عده ممکن است بگویند: اِ پس شما دکتر ندارید!

دیگه چه فایده ای دارد ؟

ممکن است دانشگاه من را بپرسد و ممکن است فلان اتفاق بیفتد و همینطور نقاط مثبت و منفی را نگاه

می‌کنیم تا آخر سر بتوانیم در یک نگاه ببینیم که آیا این کار درست است یا نه؟

### مورد دوم این هست که بریم نمونه های خوب را بررسی کنیم.

ببینیم افرادی که می‌توانند الگوی ما باشند و ایده آل هستند برای انجام اون کار، چطور این رفتارها را بروز

می‌دهند؟



آیا مثلاً خودشان را اول معرفی می کنند یا آخر؟، آیا تحصیلاتشان را می گویند یا نه؟

می توانیم بررسی بکنیم و به احتمال زیاد ایده های خیلی جالبی می گیریم.

### سومین مورد استفاده از تحقیقات است.

تحقیقات علمی خیلی زیادی انجام می شود، مثلاً مشخص شده است که سخنران هایی که بیش تر راجع به خودشان صحبت می کنند، افراد خسته کننده ای هستند.

خب با چندتا مطالعه خیلی ساده می شود به این دست پیدا کرد و عملاً کار ما خیلی جلو می افتد.

### و چهارمین مورد که آخرین مورد هم است، می توانیم نظر سنجی بکنیم.

از چند نفر پرسیم، بگوییم شما دوست دارید توی سخنرانی، سخنران تحصیلاتش را بگوید یا نه؟

شما دوست دارید این اتفاق بیفتد یا نه؟

با مجموع این روش ها می شود تا حدودی با قطعیت خوبی جواب سوال را پیدا کرد.

البته به این معنی نیست که صددرصد می شود جواب سوال را پیدا کرد.

اما باید توجه بکنیم که برای چنین موضوعاتی نباید توقع داشته باشیم که یک نفر، مثلاً به این سوال پاسخ بدهد که: بهترین واژه ای که می توانیم استفاده بکنیم برای اثر گذاری چیست؟

اصلاً این سوال ها قابل پاسخ دادن نیستند.

### بنابراین باید یک مقدار کلی تر نگاه کنیم و از نگاه های سطحی پرهیز کنیم.

از توجه شما خیلی متشکرم و امیدوارم که اگر این فایل را دوست داشتید با دیگران هم به اشتراک بگذارید و بدانید که رادیو سخنرانی، رایگان است و رایگان خواهد ماند و تنها شرط استفاده از آن، این است که آن را حداقل با یک نفر دیگر به اشتراک بگذارید.

از شما متشکرم

پیروز و موفق باشید

خدانگهدار